

بسمه تعالی

«عوامل شکوفایی فطرت»

نویسنده: فاطمه نجفی

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان مرنند

چکیده

مقاله حاضر در ابتدا از معنای لغوی و اصطلاحی فطرت بحث کرده و گفته می شود که فطرت نوعی از خلقت انسان می باشد که بر آن نحو سرشته شده است . در ادامه تفاوت میان فطرت و طبیعت و غریزه آشکار گردیده است. در این مقاله به صورت کتابخانه ای از فطرت توحیدی بحث می شود که مراد از آن شناخت خدا و اثبات آن از راه فطرت است ، و گفته می شود که انسان فطرتاً عشق به کمال مطلق دارد و در لحظه های بحرانی زندگی به او امیدوار است هرچند که بداند هیچ نجات دهنده ی بشری وجود ندارد. و در ادامه بحث ، از عوامل شکوفایی فطرت که یکی از آنها تعالیم انبیاء و دیگری ریاضت و تقوی است و از موانع شکوفایی آن که جهل علمی مانند ، غفلت ، پندار گرای و عقل متعارف ، و جهالت عملی مانند خود بینی و هوس مداری ، تکبر و دنیا گرایی و به راه های زدودن این موانع اشاره شده است .

واژگان کلیدی: شهود ، عقل علمی و عقل عملی ، فطرت ، فطرت توحیدی، کمال مطلق ، مبدأ ، متعال.

مقدمه

فطرت انسانی که خلقت خاص و ویژه است اصلی ترین سرمایه و برترین ره توشه ای است که خداوند در نهان آدمی به ودیعه گذاشته است . وهدف از این مقاله رساندن این مطلب هست که هر سالکی که با تمسک به عمود قیوم فطرت در راه شکوفایی و رشد آن کوشا باشد و با جلای ذکر الله زنگار مادیت را از چهره فطرت خداجو و خدا خواه بزدايد و مصباح روشنی آن را همواره با دم تقوی و زیت معرفت مشتعل بدارد بدون تردید به مقصد نایل و واصل خواهد آمد و گوارا باد سرمستانه باده فطرت را که با ذوق جام طهور آن ، صاغر طبیعت را شکستند . فطرت یا همان سرشت آدمی از مقوله های بحث برانگیز و پر گفتگو است که با نگاهی اجمالی به تشتت آراء و تعدد انظار روشن می شود که اهل بیت (علیهم السلام) و علمای بزرگ دین از صدر اسلام نسبت به این قضیه اهتمام داشته اند و مقاله حاضر که می توان گفت قطره ای از دریای پر امواج مباحث فطرت است که در کتب زیادی از آن به بحث و بررسی پرداخته شده از جمله ی بزرگترین منع های بحث قران کریم و نهج البلاغه و بسیاری از کتب تفسیری ..به این مساله پرداخته شده و ما بر آن هستیم که در این مقاله به دو سوال زیر پاسخ داده شود اولاً: فطرت چیست ؟ و چگونه می توان با فطرت مبدأ متعال را اثبات کرد ؟ ثانیاً: عوامل و موانع شکوفایی فطرت کدامند ؟

این مقاله از سه بخش تشکیل یافت ه که در بخش اول به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی فطرت و توضیح برخی از واژه ها پرداخته شده تا مسأله فطرت نیز دانسته شود و در بخش دوم این مقاله به بررسی دلیل فطرت در اثبات واجب الوجود پرداخته شده البته در ضمن آن به اشکالات و شبهات مرتبط با آن نیز پاسخ داده شده و در بخش سوم که بخش پایانی مقاله مختصر می باشد به بیان عوامل و موانع شکوفایی فطرت و راه زدودن موانع آن با کمک گیری از روایات و قرآن پرداخته ایم .

فطرت

در ابتدای ورود به بحث بخاطر اینکه یک تصور اجمالی از فطرت داشته باشیم فطرت را از دو منظر لغوی و اصطلاحی مورد بحث قرار می دهیم

فطرت از منظر لغت فطرت بر وزن فَعَلَه مصدر هیئت . [نوعی] می باشد ^۱ . مصدر هیئت یعنی دلالت لفظ بر معنای حدوثی اش اما بطور خاص به عنوان مثال : جُلوس یعنی { نشستن } جلسه یعنی { یکبار نشستن } و جلسه یعنی . { نشستن به نوع خاص } جَلَسْتُ جلسه زید { یعنی نشستم به گونه نشستن زید } و ابن مالک در الفیه خود گوید :

و فَعَلَه لِمَرَّةٍ كَجَلَسِهِ و فَعَلَه لِهَيْئَةٍ كَجَلَسِهِ^۲

معنای لغوی فطرت :

فطرت در لغت به معنای شکافتن و گشودن و ابراز آن ؛ ابتدا و اختراع ؛ شکافتن از طول ؛ ایجاد و ابداع آمده است و عموماً یک معنا را می رسانند و از آنجایی که آفرینش و خلقت الهی به منزله شکافتن پرده تاریک عدم و اظهار هستی امک انی است ، یکی از معانی این کلمه آفرینش و خلقت است البته آفرینشی که ابداعی و ابتدائی باشد.

ابن اثیر در نهاییه، در توضیح ماده «فطر»، در حدیث نبوی «هر مولودی بر فطرت توحید زاده میشود»^۳ می گوید : فطر به معنای ابتداء و اختراع است و فطره حالت آن ابتدا و اختراع را بیان می کند؛ مانند جلسه و ركبۀ یعنی « این است که هر فردی بر نوعی خاص از صفات جبلی و حدیث نوعی خاص از نشستن و سوار شدن و معنای طبیعی متولد می شود، به طوری که آماده پذیرش دین الهی می گردد و اگر او را با همان صفات واگذارند پیوسته

^۱ مطهری ، فلسفه و کلام اسلامی، ج ۱ ص ۱۵ (توضیحات در منابع)

^۲ ابن مالک ، شرح ألفیه ابن مالک لابن الناطم جلد: ۱

^۳ صحیح بخاری ، کتاب الجنائز ، ابواب ۸۰ و ۹۳ « كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ »

بر آن صفات استمرار دارد و از آنها مفارقت نمی‌کند و همانا علت عدول انسان‌ها از آن آفتی از آفات بشری یا تقلیدی است که از غیر، در آنها اثر می‌گذارد^۱

تعریف اصطلاحی فطرت :

فطرت در انسان نوعی هدایت تکوینی در قلمرو شناخت و احساس است^۲ به عبارتی دیگر همان بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه و کشش شاهدانه و پرستش خاضعانه نسبت به حضرت اوست ، نحوه خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحو سرشته شده و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است^۳

طبیعت و غریزه

تعریف طبیعت : طبیعت لغتی است که معمولاً در مورد بی جانها بکار برده می شود . البته در مورد جاندارها نیز استعمال دارد ، ولی اختصاصاً در بی جانها بکار برده می شود . مثلاً می گوئیم طبیعت آب چنین است ، یا طبع اکسیژن به گونه ایست که قابل احتراق می باشد و برای اشیاء به اعتبار خواصّ گوناگونی که دارند ویژگی های ذاتی قائل می شویم ، اسم اکسیژن های ذاتی « شیء بی جان » را [طبیعت] می گذاریم و این ناشی از یک فکر فلسفی است که در تمامی افراد بشر وجود دارد . بشر اینطور فکر می کند که دو شیء متساوی از هر جهت نمی توانند خواصّ گوناگونی داش ت باشند . اگر برخلاف این باشد دلیل بر اینکه چند گونگی بین این دو شیء وجود دارد چرا که بشر می دیده که چند شیء در عین حال که همه جسم و ماده هستند خواصّشان گوناگون است ، مانند آب و

۱ ابن اثیر، نهاییه فی غریب الحدیث والاثیر، الجزء الثالث، المكتبة الاسلامیة، ج ۳، ص ۴۵۷، بیروت، لبنان.

۲ ربانی گلپایگانی ، عقائد استدلالی .. ج ۱. ص ۳۱

۳ جوادی آملی ، فطرت در قرآن . ص ۲۵ .

خاک که هر کدام از آنها دارای یک نیرو و یک خصوصیتی هستند که منشأ خواص^۱ مخصوص به آن شده است و آن خصوصیتی که منشأ اثر خاص می شود، اسمش [طبیعت] است^۱

تعریف غریزه: غریزه که بیشتر در مورد حیوانات بکار برده می شود و به هیچ وجه در جماد و نبات استعمالی ندارد، هنوز ماهیت آن روشن نیست یعنی هنوز کسی نتوانسته است توضیح دهد که غریزه در حیوانات چیست ولی اینقدر می دانیم که حیوانات از ویژگی های درونی برخوردار هستند که راهنمای زندگی آنهاست، و یک حالت نیمه آگاهانه و غیر اکتسابی و سرشتی اس که به موجب این حالت مسیر را تشخیص می دهند که در این مورد مثالهای زیادی می توان زد. مانند بچه حیوانی که تازه زاییده شده و به دنبال پستان مادر می رود و در چند دقیقه آن را پیدا می کند و می مکد در حالی که تجربه ای نداشته است، غریزه یک حالت نیمه آگاهانه ای است که هم می توان گفت آگاهانه و هم می توان گفت غیر آگاهانه.^۲

از یک طرف به دلیل اینکه میل است آگاهانه، که انسان بر خود میل آگاهی حضوری دارد ولی دیگر علم به این علم خودش ندارد، سر این آگاهی خود را نمی داند همین قدر به طور اجمال این میل در او پیدا می شود اما خودش توجه به این میل را ندارد آگاه است ولی توجه ندارد چرا که ت وجه داشتن غیر از آگاه بودن و حاضر بودن است.

در نتیجه طبیعت و غریزه و فطرت همه یک امر تکوینی یعنی غیر اکتسابی می باشند. و در فرق میان فطرت و طبیعت می توان گفت که فطرت مقدم بر طبیعت است و این را می توان به صورت حیات بخشی فطرت نسبت به طبیعت یاد کرد؛ زیرا بدن که مربوط به طبیعت است به وسیله روح زنده است که فطرت نحوه هستی آن است نه ب عکس. مبدا غافل با چنگ طبیعت، گوهر فطرت را بشکند و او را ضعیف و مستور و مدسوس کند.

^۱، مطهری، فطرت. ص ۳۰

^۲ قطب الدین رازی، شرح اشارات و تنبیها، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

. در نتیجه چنین انسانی فرسوده و خسته شده و گاهی چنان است که تا او را از پای در نیاورد رها

نمی کند . و قرآن کریم از دنیا طلبی و وابستگی به آن نهی میکند چرا که انسان وابسته به دنیا به

توحید و فضائل توحیدی راه رهی یابد .

و خداوند انبیا را مبعوث کرد تا پرده تاریک دنیا پرستی را از جلوی چشم جامعه برکنار زنند و عیوب دنیا را آشکار سازد . امیر المومنین می فرماید: و پیامبران را بر جن و انس مبعوث فرمود، تا پرده از چهره دنیا بگیرند و مردم را از بدیها و سختیهایش بر حذر دارند، و برایشان از دنیا مثلها آورند و دیدگانشان را به معایب آن بگشایند^۱. وقتی انسان با تذکرات انبیا پرده تعلق را از جلوی چشم برداشت به عالم باطن و عالم ملکوت بینا می شود و فضیلت و تقوا را در خود پیاده می کند . گفتنی است که می توان تمامی موانع را به همین مانع ارجاع داد و لکن لازم است دنیا را به همان معنای معروف در نزد اهل معرفت تفسیر کرد که هر چه انسان را از خدا باز دارد ، دنیا است .

راه های زدودن موانع

آنچه موجب زدودن این موانع می شوند ، بعد از آگاهی و بیداری ، عبارت است از توبه ، ریاضت ، مراقبت ، محاسبه ، تقوای الهی و پیامبران الهی که برای شکوفایی فطرت مبعوث می شوند ، نخست با تلاوت آیات الهی ، انسان ها را بیدار میکنند سپس با زدودن موانع ، زمینه رشد و تکامل آنها را فراهم می آورند ، پس از آن به انسان ها کتاب و حکمت می آموزند و است خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند^۲. انسان با آگاهی متوجه می شود ، خطر انحراف از فطرت

^۱ دشتی ، نهج البلاغه . خطبه ۱۸۳ [وَ بَعَثَ إِلَى الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ رَسُولَهُ، لِيَكْشِفُوا لَهُمْ عَنْ غِطَائِهَا وَ لِيَحْذَرُوهُمْ مِنْ ضَرَائِهَا وَ لِيَصْرِبُوا لَهُمْ أَمْثَالَهَا وَ لِيُبَصِّرُوهُمْ غُيُوبَهَا،]

^۲ سوره آل عمران . آیه ۱۶۴ [هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ]

چیست وقتی متوجه خطر شد در مرحله اول توبه می کند و سعی می کند پُنبه او خالص و نصوح باشد و با این توبه هم ، آثار فکر بد و اعمال آلوده گذشته را از بین ببرد و هم ، با تلاش و کوشش ، راه رشد را فراهم نماید .

بعد از توبه تلاش کند تا با حالت زهد و بی رغبتی به دنیا و با اعراض از شیطان که موجبات فریفته شدن انسان را فراهم می کند ، دل را غبار روبی نموده و آن را حرم محبت خدا قرار دهد . و برای رسیدن به مقام زهد و بی رغبتی از هر چه غیر محبت خداست . نیازمند به ریاضت و ورزش است تا جان سالک ورزیده شود چنان که امام علی « ع » فرموده است : این است نفس من که آن را به پرهیزکاری ریاضت می‌دهم ^۱ من نفس خود را با تقوا ریاضت می دهیم و انسانی که خود را با تقوا ریاضت داده . نفس سر کش او رام شه و راه فرشته منشی را طی می کند، و بعد از ریاضت و تمرین برای وصول به مقام شهود باید پیوسته مراقب خویشتن بود تا مبادا بی گانه به حریم دل راه یابد و زمینه هدی انحراف وی را فراهم سازد و در کنار مراقبه باید به محاسبه اعمال خویش پرداخت که آیا کار های او در مسیر حق است یا نه ؟

و قرآن نیز افسون بر دستور مراقبه و محاسبه راه تقوا را لازم میداند و می فرماید: الا ای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می فرستد، و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است.^۲ در این آیه قبل و بعد از محاسبه کلمه تقوا را مطرح کرده است یعنی انسان قبل از محاسبه که مرحله مراقبه است باید تقوا را رعایت کند تا حسنات و سیئات را ملاحظه کند تا حَبّ نفس او را وادار به داوری به سود خود نکند.

^۱ دشتی ، نهج البلاغه . نامه ۴۵ [وَأَيُّهَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى]

^۲ سوره حشر . آیه ۱۸ [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ]

نتیجه

با توجه به مطالب گفته شده به این نتیجه می‌رسیم که فطرت انسان آفرینشی ابدائی و ابدائی است به طوری که اگر انسان را با همان صفات واگذارند پیوسته به آن صفات استمرار دارد و از آنها مفارقت نمی‌کند و همین طور فطرت در انسان نوعی هدایت تکوینی در قلمرو شناخت و احساس است و اگر مقرون به موانع نباشد انسان را به کمال مطلق سوق می‌دهد زیرا که فطرت دارای سه ویژگی اساسی هست: نخست آنکه خدا را می‌شناسد و او را می‌خواهد، دوم آنکه در همه انسانها به ودیعه نهاده شده به طوری که هیچ بشری بدون فطرت خلق نشده و سوم آنکه به خودی خود از گزند هر گونه تغییر و تبدیلی معصون است.

و چنانچه در مواجهه ی موانع رشدی که بیان شد ، نباشد می‌تواند انسان را به صورت خود آگاه به مسیر کمالی خود رهنمون سازد

منابع و مأخذ :

* قرآن کریم

- ۱ ، نهج البلاغه . نسخه محمد دشتی نوبت چاپ ۲۰ ، سال چاپ ۱۳۸۶
- ۲ _ مطهری مرتضی ، کتاب فلسفه و کلام اسلامی، سال پنجاه و یکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷
- ۳ _ جوادی آملی عبدالله ، تفسیر موضوعی قرآن کریم . کتاب فطرت در قرآن .. مرکز نشر اسراء. چاپ ۵. سال چاپ ۱۳۸۷ .
- ۴ _ مرتضی مطهری . کتاب فطرت . انتشارات صدرا . چاپ ۲۵. سال چاپ ۱۳۹۲.
- ۵ _ علی رلبتی گلپایگانی . کتاب عقائد استدلالی ، مرکز نشر هاجر . چاپ ۶. سال چاپ ۹۳
- ۶ _ بلخی جلال الدین محمد ، کتاب مثنوی معنوی - دفتر چهارم
- ۷ _ ابن مالک محمد بن محمد، کتاب شرح ألفیه ابن مالک لابن الناضم جلد: ۱ ، تاریخ وفات پدیدآور: ۶۸۶ هـ. ق موضوع: صرف و نحو ، مکان چاپ: تهران ، ناشر: ناصر خسرو ، نوبت چاپ: ۲، سال چاپ: ۱۳۶۲ هـ. ش
- ۸ _ جوادی آملی عبدالله ، علی اسلامی ، کتاب مراحل اخلاق در قرآن ، ناشر: اسراء ، چاپ: ۱۷، سال چاپ: ۱۳۹۸
- ۹ _----- کتاب فطرت در قرآن ، مترجم: محمدرضا مصطفی پور ، تفسیرموضوعی قرآن کریم جلد ۱۲ ، نشر ، ناشر ، انتشارات : اسراء ، چاپ : ۸ ، سال چاپ ، ۱۳۹۷
- ۱۰ _ شریف‌الرضی ، محمد حسین ، کتاب ترجمه نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) ، مترجم: محمد دشتی ناشر: پیام عدالت ، چاپ: ۷، سال چاپ: ۱۳۸۹
- ۱۱ _ نووی ، یحیی بن شریف کتاب شرح اربعین امام ربوی ، مترجم : ستار تبرزد ، ناشر : کردستان ، سال چاپ: ۱۳۹۸
- ۱۲ ، گروه مولفان : مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری (مدرسه سپهسالار سابق) یکی از مهم‌ترین مراکز علوم عقلی اسلامی در سده اخیر به شمار می‌آید. حکمای بزرگی چون میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی، میرزا هاشم اشکوری گیلانی، میرزا مهدی آشتیانی، سید محمدکاظم عصار و ابوالحسن شعرانی از مدرسان علوم عقلی

مدرسه سپهسالار بوده‌اند. پس از انقلاب اسلامی نیز بسیاری از اساتید مبرز کلام، فلسفه و حکمت اسلامی در این مرکز علوم اسلامی به تدریس پرداخته‌اند.

۱۳ _ ابن مالک محمد بن عبدالله ، کتاب الفیه ابن مالک : فی النحو و الصرف لمحمد بن عبدالله ملک الاندلسی قام بتنسيقها و فهرستها ... مترجمان : اباذر عباچی ، علی چراغی ، ناشر: پایا ، چاپ: ۲ ، سال چاپ: ۱۳۹۷

۱۴ _ بخاری محمد بن اسماعیل ، کتاب ترجمه صحیح بخاری (۲۵۶ - ۱۹۴ هجری) ، ج ۳ ، مترجم : طاهر لاورژه ، ناشر : موسسه انتشاراتی حسینی اصل ، چاپ: ۱ ، سال چاپ: ۱۳۹۳

۱۵ _ زاوی طاهر احمد ، طناحی محمود محمد ، ابن اثیر مبارک بن محمد ، کتاب النهایه فی غریب الحدیث و الاثر (ج ۴) ، ناشر: دار التفسیر ، چاپ: ۱ ، سال چاپ: ۱۳۸۴

۱۶ _ ربانی گلپایگانی علی ، کتاب عقائد استدلالی ، ج ۲ ، ویراستار : کاووس روحی ، ناشر: نصایح ، چاپ: ۱ ، سال چاپ: ۱۳۸۰

۱۷ _ مطهری ، مرتضی ، کتاب فطرت ، ناشر: صدرا ، چاپ: ۳۳ ، سال چاپ: ۱۳۹۹ ،

۱۸ _ نجف زاده علیرضا ، فخر رازی محمد بن عمر ، کتاب شرح الاشارات و التنبیها امام فخرالدین محمد بن عمر رازی ، ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ج ۱ ، چاپ ۱ ، سال چاپ ۸۵

۱۹ _ مولوی جلال الدین محمد بن محمد ، مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی : بر اساس نسخه رینولد نیکلس ، ناشر: پیام عدالت ، چاپ: ۹ ، سال چاپ: ۱۳۹۸

۲۰ _ نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت : خلاصه ای از آراء اخوان صفا و بیرونی و ابن سینا راجع جهان

۲۱ _ مطهری ، مرتضی ، مجموعه آثار مرتضی مطهری ج ۱۶ ، ناشر: صدرا ، نوبت چاپ: ۱۴ ، سال چاپ: ۱۳۹۸

۲۲ _ شاه آبادی ، حکیم ، نقش فطرت در اثبات مبدأ در منظومه معرفتی ، پژوهشنامه عرفان / دو فصلنامه / سال نهم / شماره هفدهم

۲۳ _ جواد آملی ، عبدالله ، انسان شناسی فطری ، فصلنامه حوزه و دانشگاه ، سال سوم ، شماره نهم ، زمستان ۱۳۸۶

۲۴ _ ----- فطرت در قرآن ویراستار : محمد رضا مصطفی پور ، ناشر: اسراء ، نوبت چاپ: ۸ ، سال چاپ: ۱۳۹۷